

اگر چه در تربیت انسان، عوامل مختلفی تأثیرگذار هستند و هر یک به نوعی در شکل‌دهی شخصیت او نقش ایفا می‌کنند، اما تأثیر الگوهای انسانی در تربیت بسیار حایز اهمیت است. در این مقاله به بررسی برخی از این نوع الگوها می‌پردازیم و نقش هر یک را در تکامل دینی و اخروی انسان یادآور می‌شویم.

فهرست مندرجات

- ۱ - خانواده
- ۲ - معلمان
- ۳ - دوستان
- ۳.۱ - اهمیت دوست‌یابی در تعالیم اسلامی
- ۴ - چهره‌های ورزشی و هنری
- ۵ - حاکمان
- ۶ - عالمان دین
- ۷ - امامان معصوم (علیهم السلام)
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

۱ - خانواده

[ویرایش]

با توجه به آن که کودک چند سال نخست زندگی خود را در محیط خانه با پدر و مادر و سایر افراد خانواده سپری می‌کند، به طور قطع هر آن‌چه را که از آنان می‌بیند الگوبرداری می‌کند و خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی و دیگر گرایش‌ها را از آنان می‌آموزد. این‌که مردم در قضاوت‌های خود، رفتارهای مختلف کودک را به حساب پدر و مادر کودک می‌گذارند، حاکی از واقعیتی است که از مطالعات فراوان به دست آمده است.^[۱]

پدر و مادر اولین و آشناترین چهره‌هایی هستند که کودک با آنها برخورد می‌کند. به تدریج به موقعیت حساس پدر و مادر و نیاز شدید خود به آنان پی می‌برد و متقابلاً به آنان علاقه‌مند می‌گردد و به همین جهت والدین خود را بهترین و خیرخواه‌ترین و با نفوذترین اشخاصی می‌داند که می‌توانند آنان را سرمشق یا الگوی زندگی قرار دهند و از رفتارشان پیروی نمایند.^[۲] قرآن بر نقش کلیدی پدر و مادر توجه داشته و در آیاتی چند به این مسأله پرداخته است. حضرت نوح با اشاره به نقش والدین به خداوند عرضه می‌دارد: «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا^[۳] اینان جز فاجر و کافر نمی‌زایند.» به این معنا که نتیجه تربیتی قوم نوح جز فرزندی با این خصوصیات نیست.

بنابراین، خانواده در سازندگی یا ویرانی شخصیت کودک و نوجوان نقش اساسی دارد و کودک از محیط خانواده اوصافی چون: زبان گفتار، آداب معاشرت، محبت و مهرورزی به دیگران، قاطعیت و اقتدار و انضباط را می‌آموزد.

بعد از پدر و مادر، برادران و خواهران هستند که در خانواده بیشترین تأثیر را بر روی طفل می‌گذارند، به ویژه زمانی که طفل دارای برادر یا خواهری بزرگ‌تر بوده و تفاوت سنی‌شان نیز زیاد باشد. خواهر بزرگ‌تر برای کودک نقش مادر، و برادر بزرگ‌تر نقش پدر را ایفا می‌کند. کودک برای دور ماندن از شر آن‌ها و نیز هم‌رنگ ساختن خود با ایشان، سعی می‌کند رفتار خود را براساس

خواسته آنها تطابق دهد.^[۴]

از این رو، چنان‌چه والدین بتوانند فرزند بزرگ‌تر را خوب تربیت کنند، تقریباً در تربیت بقیه بچه‌ها موفق‌ترند زیرا فرزند بزرگ‌تر نسبت به کوچک‌تر نقش الگویی دارد و در تربیت و سازندگی کوچک‌تر تأثیر به‌سزایی دارد.

بنابراین ریشه اخلاق و رفتار انسان از خانه است و به همین نظر از میان نهادهای متعدد اجتماعی خانواده اهمیت بیشتری در تربیت کودک دارد.^[۵]

۲ - معلمان

[ویرایش]

پس از والدین و اعضای خانواده، مربیان و معلمان و اعضای مدرسه بیشترین تأثیر را در تربیت کودکان دارند. کودکان در سنین پایین تحت تأثیر والدین خود هستند، اما وقتی وارد مدرسه می‌شوند از معلمان خود اثر می‌پذیرند. معلمان باید بدانند که افکار، رفتار و گفتار آنان سرمشق دانش آموزان است.

معلم بعد از پدر و مادر بانفوذترین افراد، در امر تربیت کودک و نوجوان است. دانش‌آموزان بویژه دانش‌آموزان دوره ابتدایی، شدیداً تحت تأثیر معلم خود قرار دارند و رفتار او را الگو قرار می‌دهند. معلم با روح و جان دانش‌آموز سر و کار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش‌آموزان همه اعمال و رفتار معلمان و مدیر و حتی مستخدم مدرسه را زیر نظر دارند و از طرز برخورد آموزگاران با مدیر، معلمان با یکدیگر، معلمان با خدمتکاران مدرسه و معلمان با دانش‌آموزان درس می‌گیرند.^[۶]

فضای تعلیم و تربیت زیر پوشش عناصر گوناگونی قرار دارد که همه آن‌ها می‌توانند برای شاگردان، الگو و سرمشق باشند، مانند حیاط مدرسه، فضای کلاس، معلم، مدیر، ناظم، شاگردان و همه پدیده‌هایی که در مدرسه به چشم می‌خورد با شاگردان مدرسه پیوند و تماس دارند. اما هیچ عنصری در مدرسه همانند معلم و به اندازه او نمی‌تواند الگوساز باشد. خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: «دود از آتش نشان نهد و خاک از باد، که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد».^[۷]

مغز کودک، نوجوان و جوان مانند دوربین عکاسی است. کودکان در دوران کودکی خود از عقل پیروی نمی‌کنند بلکه تابع احساسات و تقلید هستند. آنان در این سنین قیافه، نثر صدا، بی‌ادبی یا ادب در کلام و بالاخره همه گفتار و کردار بزرگ‌ترها را به طور ناخودآگاه تقلید می‌کنند. از آن‌جا که کودکان بیشتر وقت خود را در خانه و یا مدرسه سپری می‌کنند، پدر و مادر و معلم می‌توانند با کردار و گفتار خود، آنها را تحت تأثیر قرار دهند و شخصیت کودک را بسازند.

جاحظ درباره تقلید شاگرد از معلم می‌نویسد: «عقبه بن ابی سفیان به آموزگار فرزندانش گفت: نخستین وظیفه تو در اصلاح فرزندانم این است که قبلاً خویشتن را اصلاح کنی؛ زیرا چشمان آن‌ها به تو دوخته است و رفتار و کار نیک در نظر آن‌ها، رفتاری است که تو آن را نیک می‌دانی و رفتار زشت از دیدگاه آنها رفتاری است که تو آن را زشت تلقی می‌کنی».^[۸]

۳ - دوستان

[ویرایش]

گروه دیگری که می‌توانند تأثیر زیادی بر روان کودکان، نوجوانان و جوانان باقی بگذارند، دوستان، معاشران و همسالان می‌باشند. قرآن به نقش این گروه توجه می‌دهد و با یادکرد سخنان افرادی که به جهت دوستی با افراد فاسق و کافر گرفتار آتش دوزخ شده‌اند می‌کوشد تا افراد را ترغیب نماید که در انتخاب و گزینش دوستان دقت لازم را به عمل آورند؛ زیرا همین دوستان هستند که با تأثیرگذاری بر شخصیت آنان خوشبخت و یا بدبخت می‌کنند. گروهی که به جهت دوستی با دوستان ناباب خویش از راه به در رفته اند در قیامت می‌گویند: «يَوْمَئِذٍ لَيَبْئُتِي لِمَ اتَّخَذْتُ فَلَانًا حَلِيلًا»^[۹] ای کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم»

کودک، بخش قابل توجهی از رفتار و کیفیت معاشرتش را از دوستان و معاشران خود نیز می‌آموزد و این تبعیت بدان خاطر است که به تناسب سن همگام با دوستان و اندیشه‌هایش هماهنگ با آنهاست کودکان به کارهای جدید رغبت بسیاری نشان می‌دهند و هنگامی که با آن مواجه می‌شوند سعی می‌کنند از دوستان خود تقلید نمایند. پیداست که هر کودکی دارای روش و منشی خاص است که معمولاً از محیط اجتماعی خود فراگرفته است و کودک دیگر در تماس با او از همان‌ها پیروی می‌کند.^[۱۰]

به بیان دیگر، در کودکان و نوجوانان حالت تشابه جویی و همانندسازی وجود دارند و سعی دارد خود را همانند دیگران به ویژه آنان که مورد علاقه و تأیید آنان هستند بسازند. کودکان تا حدود ۷ سال اول زندگی بیشتر از هر کسی به والدین خود علاقه دارند اما کم کم با ورود به اجتماع، به خاطر تناسب در سن و رفتار و گفتار جذب دوستان و همسالان خود می‌شوند و از آنها تقلید می‌کنند. آنان معمولاً مبانی اخلاقی، ارزش‌های اجتماعی، نظام حکومتی، آداب و رسوم، نوع روابط و نوع اعمال خود را از معاشران می‌آموزند.^[۱۱]

۳.۱ - اهمیت دوست‌یابی در تعالیم اسلامی

در منابع اسلامی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که بیان‌گر تأثیرات ژرف همنشینی با دوستان خوب و بد می‌باشد. در قرآن کریم در مورد همنشین خوب فرمود: «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعَشَىٰ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛^[۱۲] همراه با کسانی باش که هر صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند و خشنودی او را طلب می‌کنند و نباید به خاطر پیرایه‌های زندگی دنیا چشمان تو از آنان منصرف شود.»

و یا در مورد دوری گزیدن از غافلان می‌فرماید: «فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛^[۱۳] پس تو نیز از کسی که از (سخن) ما رویگردان می‌شود و جز زندگی دنیا را نمی‌جوید، اعراض کن.»

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در این باره می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ؛^[۱۴] آدمی تحت تأثیر رفیق خودش است.»

از حضرت سلیمان (صلی الله علیه وآله) روایت شده که ایشان فرمودند: «لَا تَحْكُمُوا عَلَىٰ رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّىٰ تَنْظُرُوا إِلَىٰ مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَأَقْرَانِهِ وَ يُنْسَبُ إِلَىٰ أَصْحَابِهِ وَ أَخْلَانِهِ؛ دربارہ کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا رفقاییش را ببینید چه آن‌که آدمی از امثال و اقارنش شناخته می‌شود و به صفات همنشینان و دوستان صمیمی‌اش توصیف می‌گردد.»^[۱۵]

ائمه اطهار و معصومین (علیهم السلام) نیز طی سخنان خود، خطرات رفاقت‌های گمراه‌کننده را خاطرنشان کرده و پیروان و یاران خود را از همنشینی با افراد فاسد و تبه‌کار بر حذر داشته‌اند. امام علی (علیه السلام) در نامه ۶۹ نهج البلاغه به حارث همدانی توصیه کرده‌اند: «از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان زشت و ناپسند است بر حذر باش! همانا دوست را به وسیله دوستش می‌شناسند.»^[۱۶]

همسالان از راه‌های منحصر به فرد و عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سرمشق‌دهی، اعمال قابل تقلید، تشویق یا تنبیه، پاسخ‌های خاص و ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر و بازخوردی که به هم می‌دهند، در یکدیگر تأثیر می‌گذارند.^[۱۷]

در حقیقت، علت اساسی گرایش شدید کودکان نسبت به همدیگر را باید در «مشابهت» جستجو کرد. فلاسفه در این باره می‌گویند: «مشابهت»، علت جذب و دوستی و عشق است و شاعر در این باره گفته است:

کبوتر با کبوتر، باز با باز *** کند همجنس با همجنس پرواز^[۱۸]

چه بسا کودکانی که در خانه تربیت نیکو پیدا کرده‌اند؛ ولی در مدرسه و در نزد معاشران و دوستان فاسد و بد اخلاق دچار انحراف شده‌اند. بسیاری از کج خلقی‌ها، انحراف‌ها و ناسازگاری‌ها براساس تأثیری است که دوستان و معاشران فرزندان ما، در مدرسه یا محیط خارج بر آنها گذارده‌اند. از این رو، نظارت بر معاشرت کودکان بسیار ضروری می‌نماید.

۴ - چهره های ورزشی و هنری

[ویرایش]

در عصر حاضر که نگاه جوانان و نوجوانان و حتی بزرگسالان به طور گسترده‌ای به مقوله هنر و ورزش دوخته شده است به یقین از نقش مهم و تأثیرگذار این طیف وسیع نمی‌توان غافل بود.

جوانان و نوجوانان با علاقه‌ای که به هنرپیشه یا بازیکن ورزشی خاصی دارند به طور مستقیمی تحت تأثیر رفتارهای دیگر او نیز قرار گرفته و از آن‌ها الگوگیری می‌نمایند. نظر به اهمیت این عنصر مهم تربیتی است که اکنون سردمداران تهاجم فرهنگی توجه خود را به این حوزه معطوف نموده و بسیاری از اهداف خود را در قالب هنر و شخصیت‌های ورزشی پیاده می‌کنند.

امروزه به روشنی بسیاری از جوانان را شاهدیم که در سخن گفتن، مدل لباس و مو، نحوه رفتار و... به طور مستقیمی تحت تأثیر این چهره قرار گرفته‌اند.

از این رو برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری جهت اصلاح و تهذیب و تربیت شایسته این گروه می‌تواند نقش مهمی در الگوسازی ویژه جوانان و نوجوانان داشته باشد.

۵ - حاکمان

[ویرایش]

الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایره‌ای وسیع دارد، که از جمله آن‌ها می‌توان حاکمان و مسؤولان حکومتی را نام برد.

اگر مجریان و مسؤولان حکومت، مردمانی صالح و متعهد باشند، از باب «النَّاسُ، عَلَىٰ دِينِ مُلُوكِهِمْ» مردم به تدریج اصلاح می‌شوند، ولی چنانچه آنان در تربیت و مراقبت از نفس خود سستی کنند و به دنیاگرایی روی آورند، آرام آرام جامعه نیز لباس صلاح را از تن بیرون کرده و رو به تباهی خواهد گذاشت. آنگاه نصیحت‌ناصحان بی اثر می‌ماند و صالحان امت تضعیف و منزوی می‌گردند و افراد ناشایست و تهی از ارزش‌های انسانی میدان‌دار خواهند شد.^[۱۹] قرآن با اشاره به سرنوشت خفت‌بار قوم فرعون

به نقش تأثیرگذار حاکمان اشاره داشته و می‌فرماید: «فَاسْتَخَفْ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ...» [۲۰] فرعون قومش را خوار و سبک شمارد و آنان وی را پیروی و اطاعت کردند. «همین اطاعت و پیروی از حاکمان فاسد است که جامعه و تمدن ایشان را به فساد کشانید و در نهایت خود نیست و نابود شدند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ؛ پس رعیت اصلاح نمی‌شوند، جز آن‌که زمامداران اصلاح گردند.» [۲۱]

و یا در فرازی دیگر فرموده: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْأَجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ آن‌که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد، و پیش از آن‌که به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید، و آن‌که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن‌که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.» [۲۲]

این موضوع در حکومت‌های دینی که متولیان، زمامداران آن اهل دین می‌باشند، از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است. چرا که صلاح و فساد جوامع به شدت متأثر از عملکرد اینان می‌باشد. [۲۳]

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که: «صِنْعَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي، وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي. قیل: یا رسول الله وَ مَنْ هُمَا؟ قال: الفُقَهَاءُ وَ الْأُمَرَاءُ؛ دو گروه از امت من، هر گاه صالح گشتند، همه امت صالح می‌گردد و چون فاسد شوند، همه امت فاسد می‌شوند، عرض کردند: ای رسول خدا، آن دو طایفه کدامند؟ فرمود: دانشمندان دینی و فرمانروایان.» [۲۴]

۶ - عالمان دین

[ویرایش]

از جمله الگوهای انسانی، عالمان و متولیان دین هستند. رفتار و گفتار عالمان و فقها در مردم و جامعه اثر فراوان دارد. اگر عالمی صالح باشد، جامعه را به صلاح و رستگاری می‌کشاند، و چنان‌چه عالمی فاسد باشد، جامعه را به فساد می‌کشاند. قرآن در بیان تأثیر عالمان با اشاره به هدایت‌پذیری نصارا می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ زُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» [۲۵]

این هدایت‌پذیری آنان به جهت آن است که در میان ایشان کشیشان و رهبانان عالی هستند که استکبار نمی‌ورزند. [۲۶]

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «زَلَّةُ الْعَالِمِ كَانْكَسَارِ السَّفِينَةِ تَعْرِقُ وَ تُعْرِقُ مَعَهَا غَيْرُهَا؛ لغزش عالم همچون شکستن کشتی است، غرق می‌شود و دیگران را هم با خودش غرق می‌کند.» [۲۷]

عملکرد تمام کسانی که به عنوان متولیان دین شناخته می‌شوند، در نوع سلوک دینی و دین‌داری مردمان نقش و تأثیری اساسی دارد، اساساً انسان بیش از آن‌که از قول و سخن و تبلیغ متولیان دین تأثیر بپذیرد، از رفتار و سلوک و عملکرد آنان متأثر می‌شود، و به همین سبب عملکرد متولیان دین، به ویژه عالمان دین در تقویت جایگاه دین یا تضعیف آن در میان مردمان بسیار مهم است و صلاح و فساد آنان با توجه به مراتب و حوزه عملشان جامعه را نیز در بر می‌گیرد. [۲۸]

قرآن کریم کسانی را که به گفته‌های خویش عمل نمی‌نمایند مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید: «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ چرا مطالبی را که بدان عمل نمی‌کنید بازگو می‌کنید» [۲۹]

از نگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) دعوت مردم به دین و دینداری زمانی تأثیرگذار خواهد بود که دعوت‌کنندگان ابتدا خودشان به آن‌چه که می‌گویند عمل نمایند: «فَإِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بغيرِ عِلْمِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا تَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ، بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَعْظَمُ، وَ الْحَسْرَةُ لَهُ أَلْزَمُ، وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ؛ همانا عالمی که به غیر علم خود عمل کند، چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت، بلکه حجت بر او قوی‌تر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا سزاوارتر به نكوهش است.» [۳۰]

بنابر آن‌چه گفته شد مسؤولیت عالمان و متولیان دین، بسیار خطیر است، چرا که رفتار و کردار آنان الگو و سرمشقی برای سایر افراد جامعه می‌باشد.

۷ - امامان معصوم (علیهم السلام)

[ویرایش]

الگوهایی که تاکنون از آنها بحث شد شایستگی این را دارند که خوب و یا بد باشند، که در هر دو صورت آثار مثبت یا منفی بر روی دیگران می‌گذارند؛ اما الگوهایی که در این قسمت بررسی می‌شود، الگوهایی هستند که بدی در آنها راه ندارد. از این رو مطمئن‌ترین الگوها به شمار می‌روند.

به همین خاطر قرآن کریم با پذیرش این اصل مهم و تکیه بر آن همواره طریقه زیستن پیامبران و تربیت یافتگان مکتب آنان را

دعا، مومنانه، دین‌منه‌ها، مختلف‌ها، گناه‌ها، کند تا مسلمانان، با تأس، از شمه‌ندگ، شانه، مننه‌ندگ، تاهم با سعادت، ابا،

یکی از این الگوها و اسوه‌های حسنه که در قرآن از آن یاد شده، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌باشد. در سوره مبارکه احزاب می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ به درستی که پیامبر برای شما الگوی خوبی است برای کسی که امید به خدا و روز آخرت دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند.» [۳۲]

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) انسان کامل و نمونه کامل عرفان، زهد، عشق، تقوا و شجاعت است. هر زاویه‌ای از زندگی او الگویی تام از همان زاویه است و نمونه شایسته و کامل از یک پدر، شوهر، دوست و انسان می‌باشد.

حضرت علی (علیه السلام) در مورد الگوپذیری از رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ (صلی الله علیه وآله) فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَن تَأَسَّى، وَ عَزَاءٌ لِمَن تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمَتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبن، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گام بر جایگاه قدم او نهد.» [۳۳]

قرآن کریم درباره تأسف و حسرت گروهی که با غیر پیامبر (صلی الله علیه وآله) همگام و همراه شدند، می‌فرماید: «وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا • يَوْمَئِذٍ لَّيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ و روزی که ستمگر دست‌های خود را می‌گزد و می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی را گرفته بودم. ای وای بر من! ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم.» [۳۴]

پس از پیامبران الهی که به عنوان الگوهای نمونه یا اسوه‌های حسنه معرفی شده‌اند، ائمه معصوم (علیهم السلام) نیز می‌توانند اسوه‌هایی نیک برای انسان‌ها خاصه نوجوانان و جوانان باشند.

البته در الگوپذیری از آن بزرگان باید به دو نکته مهم و اساسی توجه کنیم. اول این‌که ارزش‌های انسانی دارای دو جنبه می‌باشد، یکی ثابت و دیگری متغیر.

چهره ثابت آن، همان جنبه‌ای است که به انسانیت مربوط می‌شود و صورت متغیر آن قالب و لباسی است که آن ارزش در آن متجلی می‌شود. عنصر زمان و مکان فقط می‌تواند در مورد دوم تأثیر گذار باشد و آن را دستخوش تغییر و تحولات کند ولی اصل و حقیقت آن ارزش، هرگز بر اثر تغییرات زمان و مکان متحول نخواهد شد.

به عنوان مثال، برخی از رفتارهای امام علی (علیه السلام) اختصاص به آن زمان داشته و بعضی دیگر عمومی است و در هر زمان و مکان قابل عمل می‌باشد. نمونه نخست مثل لباسی که حضرت می‌پوشیدند که تنها در روزگار خودش قابل پیاده شدن بود، اما اگر هم اکنون آن لباس‌ها را بپوشیم مورد اعتراض مردم قرار خواهیم گرفت.

و نمونه دوم مانند رفتارهایی که زمان و مکان نمی‌شناسند و همواره برای الگوگرفتن مناسب و ارزشمند است، مانند: کار و تولید، بازسازی و عمران، جهاد و شهادت‌طلبی، کمک به فقراء و محرومان و سایر کارهایی انسانی و معنوی. [۳۵]

۸ - پانویس

[ویرایش]

۱. ↑ روان شناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی، ج ۲، ص ۸۵۵.
۲. ↑ اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۰۰.
۳. ↑ نوح/سوره ۷۱، آیه ۲۷.
۴. ↑ زمینه تربیت، ص ۱۲۹.
۵. ↑ تربیت و سازندگی، ص ۲۹۷-۲۹۸.
۶. ↑ اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.
۷. ↑ تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۸. ↑ البیان و التبیان، ج ۲، ص ۶۳.
۹. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۲۸.
۱۰. ↑ البیان و التبیان، ج ۲، ص ۶۳.
۱۱. ↑ در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۵۲.
۱۲. ↑ کهف/سوره ۱۸، آیه ۲۸.
۱۳. ↑ نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۹.
۱۴. ↑ مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲.
۱۵. ↑ مستدرک، ج ۲، ص ۶۲.

۱۶. ↑ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۱۱.
۱۷. ↑ روان شناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی، ص ۸۹۵.
۱۸. ↑ الگوهای تربیت اجتماعی، ص ۳۲۰.
۱۹. ↑ روش های تربیت، ص ۱۴۸.
۲۰. ↑ زخرف/سوره ۴۳، آیه ۵۴.
۲۱. ↑ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۲۴۳.
۲۲. ↑ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۷۳، ص ۶۳۹.
۲۳. ↑ مصطفی دلشاد تهرانی، رهزنان دین، ص ۲۳۸.
۲۴. ↑ الخصال، ج ۱، ص ۳۷.
۲۵. ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۸۲.
۲۶. ↑ تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۸۱.
۲۷. ↑ غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۲۶.
۲۸. ↑ رهزنان دین، ص ۲۳۷-۲۳۸.
۲۹. ↑ صف/سوره ۶۱، آیه ۲.
۳۰. ↑ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰، ص ۲۱۱.
۳۱. ↑ تربیت و اخلاق، ص ۲۰۱.
۳۲. ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۲۱.
۳۳. ↑ محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۰.
۳۴. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۲۷-۲۸.
۳۵. ↑ محمد دشتی، الگوهای رفتاری امام علی(ع)، ص ۱۳.

۹ - منبع

[ویرایش]

دانش نامه موضوعی قرآن

رده‌های این صفحه: اخلاق اسلامی | الگو و اسوه

- سیاست و ضوابط: تلاش ویکی‌فقه تدوین دانشنامه‌ای در حوزه علوم اسلامی است. یکی از سیاست‌های اصلی آن رعایت احترام به صاحبان نظریه است. اتقان و مستند بودن مطالب یکی دیگر از سیاست‌هاست که در نگارش مطالب باید رعایت شود. تدوین مطالب توسط طلاب قم، مشهد، نجف و سایر حوزه‌های علمیه با رعایت اتقان و استناد، انجام می‌شود.